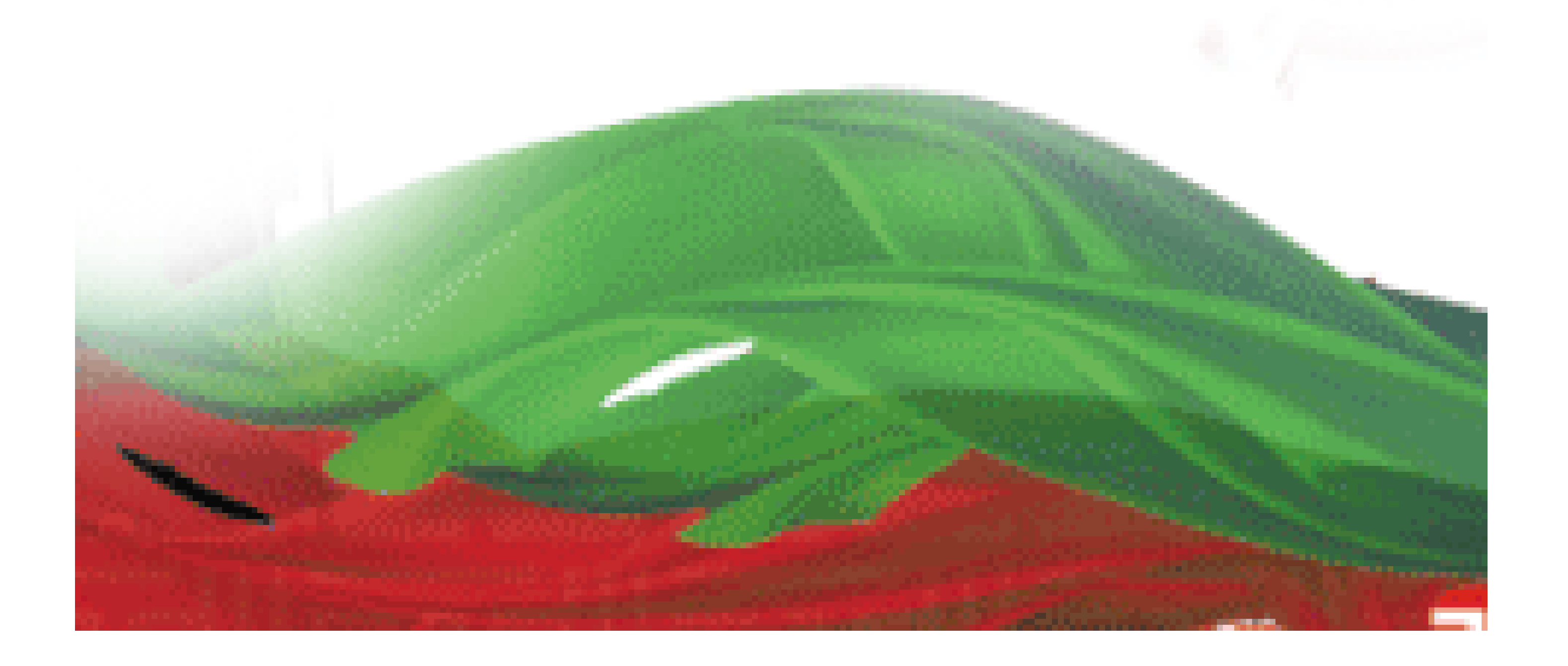
واقعیت و آرمان
در قیام عاشورا
از دیدگاه امام خمینی (ره)

خسرو وفایی سعدی




بسم الله الرحمن الرحیم

واقعیت و آرمان در قیام عاشورا از دیدگاه امام خمینی

نویسنده:

خسرو وفایی سعدی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
واقعیت و آرمان در قیام عاشورا از دیدگاه امام خمینی(س) ----- ۷
مشخصات کتاب ----- ۷
مقدمه ----- ۷
واقعیتهای نوع ۱ ----- ۹
اشاره ----- ۹
محدودیت نیروی انسانی ----- ۱۰
امکانات محدود ----- ۱۱
کشته شدن ----- ۱۱
اسارت خانواده ----- ۱۲
شکست ظاهری ----- ۱۲
واقعیتهای نوع ۲ ----- ۱۲
اشاره ----- ۱۲
فساد حکومتی ----- ۱۲
رواج منکر در جامعه ----- ۱۴
ظلم و جور حکومت ----- ۱۴
وارونه جلوه دادن حکومت اسلام ----- ۱۴
سلطنت طلبی و طاغوتی بودن حکومت ----- ۱۴
حیف و میل اموال مردم ----- ۱۶
آرمانها ----- ۱۶
اشاره ----- ۱۶
عدالتخواهی ----- ۱۷
احیای اسلام ----- ۱۷
اشاره ----- ۱۷

اصلاح جامعه ---------- ۱۸
طاغوت ستیزی ---------- ۱۹
احقاق حق ---------- ۲۰
نتیجه گیری ---------- ۲۰
پاورقی ---------- ۲۳
درباره مرکز ---------- ۲۷

واقعیت و آرمان در قیام عاشورا از دیدگاه امام خمینی(س)

مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدیدآور: وفایی سعدی، خسرو

عنوان و شرح مسئولیت: واقعیت و آرمان در قیام عاشورا از دیدگاه امام خمینی (س) [منبع الکترونیکی] / خسرو وفایی سعدی

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۵ بایگانی: ۴۵.۳KB)

موضوع: واقعیت

آرمان گرایی

خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

در جهـان امروز که از یـک سو، پیشـرفتهای علمی و تکنیکی، تحولاـت عظیمی به وجود آورده و از سوی دیگر در جهت دین زدایی - بـویژه پس از رنسـانس علمی اروپـا - تلاشـهای گسـترده و حسـاب شـده ای صـورت گرفتـه است، بـه میـدان آمـدن «آرمانها» آنچنان مشـکل می نمایـد که اگر امدادهای غیبی را نادیده بگیریم، امری بسـیار مشـکل به نظر می رسد.جهان امروز که عصـر اتم و فضـا و کـامپیوتر و... خوانـده می شود، تکامل انسان را مترادف با رشـد ابزار تفسـیر می کنـد؛ هـدف از خلقت انسانها را به فراموشی سپرده است و بزرگترین «آرمان» فرستادگان خداوند یعنی توحید را تحت الشعاع علم و تکنیک و توسعه و... قرار می دهـد.در مقابـل، دوری از معنویـات و آرمانهـای دینی و اخلاـقی موجب شـده، تا انسانهای آرمانگر نسبت به این مشـکل عمـده جوامع بشـری واکنش نشـان دهنـد و در صـدد احیـای ارزشـهای الهی و انسـانی برآینـد و در قبـال مظلـومیت و محکومیت «آرمانها»ی دینی در مقابل «واقعیتها» ی، اجتماعی مقاومت نشان دهنـد و با فـداکاری و تحمل سـختیها، نور هدایت فرسـتادگان خداونـد را روشـن نگهدارند.توحیـد، بزرگـترین و اصـلی ترین «آرمـان» در رسـالت انبیـای الهی بـوده است و آن نخبگان عالم هستی همواره با دو «واقعیت» کشـته شدن و تکذیب شدن مسـیر توحیدی را پیموده اند. همچنین با نظری اجمالی در سیره اولیای الهی

و امامـان معصوم – علیهم السـلام – آشـکارا در می یـابیم که ائمه هـدی نیز اهـداف و سرنوشـتشان هماننـد پیامبران عظام بوده است. توحیـد بزرگترین «آرمان» برای آنها بوده و همگی در معرض واقعیت کشـته شـدن یا تکذیب شدن بوده اند.از جمله آن بزرگواران، حضـرت ابی عبـدالله الحسـین (ع) است که «واقعیت» کشـته شـدن در راه «آرمانهای» توحیدی خویش را در نهایت عشق و اخلاص پذیرا شد و با قیام خویش همه تشـنگان توحید را تا آخر هستی سیراب نمود.نحوه عملکرد حضرت امام حسین (ع) و یـاران باوفـای ایشان در واقعه عاشورا که قـدیسان عالم ملکوت را به تحیر نگاه داشت، خمیر مایه ای برای پیروان راستین آن امـام (ع) در عرصه مقـابله حق و باطـل در طول تاریـخ شـد و موجب گشت تـا قیامهای اسـلامی پس از آن حضـرت از آن کانون عدالتخواهانه و حق طلبانه برای همیشه تغذیه گردند.جایگاه «واقعیت» و «آرمان» در قیام عاشورا از دیدگاه حضـرت امام خمینی (س) چیزی است که این نوشـته سـعی در بررسـی آن دارد و می کوشـد تا عمـده مطالب را از اندیشه های تابناک امام عزیز (س) برگیرد و ارائه نمایـد.با تـوجه به معـانی مختلفی که دو مفهـوم «واقعیت و «آرمـان» در حـوزه هـای گونـاگون علمی دارنـد، ضـرورت دارد این دو واژه تعریف شوند. منظور از «واقعیتها» مجموعه «هست»ها و آنچه وجود دارد و مراد از «آرمانها» مجمـوعه «بایـد»هـاست و آنچـه بایـد به وجـود آیـد.در این نوشـته «واقعیت»هـای قیـام عـاشورا به دو مقـوله مجزا تحت عنـوان «واقعیتهـای نوع اول» و «واقعیتهای نوع دوم» تقسـیم شـده است؛ چون این دو نوع تفاوت ماهوی دارنـد.واقعیتهاییماننـد کشـته شدن امام حسین (ع) و شکست ظاهری

امام جزو «واقعیتهای نوع اول» است و واقعیتهایی نظیر فساد حکومتی یزید، رواج منکر در جامعه، ظلم و ستم حکومتی و وارونه جلوه دادن چهره دین توسط حکومت بنی امیه جزو «واقعیتهـای نوع دوم» قرار می گیرد.مراد از «آرمـان»هـا ارزشـها، باورهـا و سنتهای دینی است که در جریان نهضت عاشورا انگیزه قیام بودند، و مهمترین آنها عبارتند از: احیای دین، عدالت طلبی، عزت طلبی، اصـلاح جـامعه و طـاغوت ستیزی.بـا این توضـیح کوتاه بایـد بررسـی شود که امام حسـین (ع) در مقابل این نوع واقعیتها چگونه موضـعگیری کردنـد؟ آیا آرمانها فـدای واقعیتها شدنـد یا برعکس؟ واقعیتها در اولویت قرار گرفتند یا آرمانها؟ واقعیتها چه نقشـی در قیام عاشورا ایفا کردند؟ باتوجه به تفکیکی که این نوشـته در مورد واقعیتهای نوع اول و دوم قایل شده، میزان اثر گـذاری این دو در ارتباط باآرمانها تا چه انـدازه ای بوده است؟ و بالاخره اینکه در میدان انتخاب، حضـرت ابی عبدالله (ع) در مقابـل واقعیتهـا تسـلیم شـد یـا...؟از آنجا که پاسـخ به این پرسشـها با بیان دیـدگاههای حضـرت امام خمینی (ره) در مورد قیام عاشورا روشن می شود، موضوع را با بررسی این دیدگاهها پی می گیریم:

واقعیتهای نوع ۱

اشاره

این نـوع واقعیتهـا به گـونه ای هسـتند که ممکن است در نگـاه اول برای انسانهـای صـرفا واقـع گرا همچـون کوه موانع حرکت ارزیـابی شونـد، امـا در دیـدگاه یک انسان آرمان گرا اینگونه واقعیتها مانع حرکت به سوی اهـداف نیست، البته این بـدان معنا نیست که یک انسان آرمان گرا نسـبت به واقعیتها بی توجه است، بلکه آرمانها را فوق واقعیتها می بیند و در نتیجه برای او نمی تواند به عنوان مانع مطرح باشد.واقعیتهای نوع اول برخلاف نوع دوم که به یزید و یزیدیان برمی گردد،

به امـام حسـین (ع) و یـاران باوفـای او مربـوط می شود و آنهـا را در معرض آزمـایش و انتخـاب دشواری قرار می دهـد.تاریخ گواهی می دهد که ستمگران و مستکبران برای تحت فشار گذاشتن عدالتخواهان تلاش زیادی داشته اند که مشکلاتی از قبیل این واقعیتها را بر سر راه آنها قرار دهند، تا به سازش و تسلیم و بیعت وادارند. و چه بسیار مبارزان و انقلابیونی که تحت تأثیر فشارها و مشکلات اینچنینی، ناگزیر به رها کردن آرمانهای خویش شده اند.شیوه مستکبران این است که این دسته از واقعیتها را بزرگ جلوه دهند و از کاه کوه بسازند، تا آرمانخواهان بامحاسبه توان خویش متزلزل شوند و در نهایت تن به سازش دهند. اما در قاموس حضرت ابی عبدالله (ع) هیچ واقعیتی توان مقابله باآرمانهای مقدس را ندارد.فرهنگ مبارزاتی و آرمانخواهانه سیدالشهدا (ع) به گونه ای است که عظمت اینگونه واقعیتها را به تحقیر، و تلخی آنها را به شیرینی، و دشواری آنها را به آسانی مبدل می کند.در قیام عاشورا نیز این واقعیتها نتوانست سد راه امام حسین (ع) و یاران او شود و ذلت را بر آنها تحمیل کند، زیرا فریاد «هیهات منا الذله» پاسخی به این واقعیتها بود.

محدودیت نیروی انسانی

«او سیدالشهدا - سلام الله علیه - تکلیف می دید برای خودش که باید او با این قدرت مقاومت کند و کشته بشود تا به هم بخورد این اوضاع، تا رسوا بکند این قدرت را بافداکاری خودش و این عده ای که همراه خودش بود... در عین حالی که حسب قواعد معلوم بود که یک عدد اینقدری نمی تواند با آن عده ای که آنها دارند مقابله کند... [۱] .«آنچه که سیدالشهداء عمل کرد و آن ایده ای

که او داشت و آن راهی که او رفت و آن پیروزی که بعد از شهادت برای او حاصل شد، به مردم روشن کنند و بفهمانند به همه که مسئله مجاهده در راه اسلام آن است که او کرد. می دانست که با یک عده قلیل کمتر از صد نفر نمی شود مقابله با یک همچو ظالمی دارای همه چیز کرد.» [۲] .«امام حسین (ع) نیروی چندانی نداشت و قیام کرد.» [۳] .«تکلیف ماها را حضرت سیدالشهدا معلوم کرده است، در میدان جنگ از قلت عدد نترسید.» [۴] .«حضرت سیدالشهدا تعلیم کرد که در میدان وضع باید چه جور باشد و در خارج میدان چه جور باشد و باید آنهایی که در پشت جبهه هستند چطور تبلیغ بکنند. کیفیت مبارزه را، کیفیت اینکه مبارزه بین یک جمعیت کم با جمعیت زیاد باید چطور باشد.» [۵] .

امکانات محدود

«باید توجه به این معنا بکنید که ما هم همانطوری که سیدالشهدا در مقابل آن همه جمعیت و آن همه اسلحه ای که آنها داشتند قیام کرد تا شهید شد، ما هم همینطور، ما هم برای شهادت حاضریم.» [۶] .«ایشان در یک وقتی این مطلب را فرموده اند که وقتی قیام کرده اند و نهضت کرده اند در مقابل یزید، این سلطان جائر، با یک عدد کمی در مقابل یک عده کثیری و در مقابل ابرقدرت که در آن وقت همه مواضع قدرت دستش بوده است، که عذر را از ما ساقط کند.» [۷] .

کشته شدن

«حضرت سیدالشهدا قیام کردند برضد یزید و شاید همانطور هم بود که خوب، اطمینان به این بود که موفق به اینکه یزید را از سلطنت بیندازند نشدند. این اخبار مهم اینطور است که ایشان مطلع بودند بر این مطلب. در عین حال برای همین معنی که برضد یک رژیم ظالم قیام کنند ولو اینکه کشته بشوند، قیام کردند و کشته دادند و کشتند و خودشان هم کشته شدند.» [۸] .«و سیدالشهدا - سلام الله علیه - تکلیف می دید برای خودش که باید او با این قدرت مقاومت کند و کشته بشود.» [۹] .«تکلیف بود آنجا که باید قیام بکند و خونش را بدهد تا اینکه این ملت را اصلاح کند، تا اینکه این علم یزید را بخواباند و همینطور هم کرد و تمام شد. خونش را داد و خون پسرهایش را داد و اولادش را داد و همه چیزهای خودش را داد برای اسلام.» [۱۰] .«حضرت سیدالشهدا را کشتند، اما اطاعت خدا بود، برای خدا بود.» [۱۱] .«امام حسین - سلام الله علیه -

به همه آموخت که در مقابل ظلم، در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائر چه بایـد کرد. با اینکه از اول می دانست که در این راه که می رود راهی است که باید همه اصحاب خودش و خانواده خودش را فدا کند.» [۱۲] .

اسارت خانواده

«شما پیرو پیشوایانی هستید که در برابر مصایب و فجایع صبر و استقامت کردند که آنچه ما امروز می بینیم نسبت به آن چیزی نیست. پیشوایان بزرگوار ما، حوادثی چون روز عاشورا و شب یازدهم محرم را پشت سر گذاشته انـد و در راه خدا یک چنان مصایبی را تحمل کرده اند.» [۱۳] .«حضرت سیدالشهدا به ملت آموخته است و اهل بیت بزرگوار او و فرزندان عالیقدر او و هم فهماند که بعد از اینکه آن مصیبت واقع شد چه باید کرد، باید تسلیم شد؟ باید تخفیف در مجاهده قایل شد؟ باید همانطوری که زینب - سلام الله علیها - در دنباله آن مصیبت بزرگی که «تصغر عنده المصائب» ایستاد و در مقابل کفر و در مقابل زندقه صحبت کرد و هر جا موقع شـد، مطلب را بیان کرد و حضرت علی بن الحسین - سلام الله علیه - با آن حال نقاهت، آنطوری که شایسته است، تبلیغ کرد.» [۱۴] .

شکست ظاهری

«اولیای خدا هم شکست می خورنـد. حضرت امیر در جنگ معاویه شکست خورد. اینکه حرف ندارد، شکست خورد. امام حسین - سلام الله - هم در جنگ با یزید شکست خورد و کشته شد، اما به حسب واقع پیروز شدند آنها، شکست ظاهری و پیروز واقعی.» [۱۵] .

واقعیتهای نوع ۲

اشاره

این نوع واقعیتها برای انسانهای صرفا واقع گرا قابل چشم پوشی هستند. اما انسانهای «آرمانیخواه» به سادگی نمی توانند از کنار آنها که ذاتا در تضاد و تعارض با ارزشها و آرمانهای آنهاست بگذرند.واقعیتهای نوع دوم برخلاف نوع اول که به امام حسین (ع) و یاران او برمی گردد، بـه یزیـد و حکومت بنی امیـه مربـوط می شـود و همین واقعیتهـای ضـد دینی، آنهـا را در معرض رویارویی با آرمانخواهان قرار می دهـد.همیشه واقعیتهای نوع دوم می توانـد به عنوان اهرمی وسیله ای در دست آرمانخواهان قرار گیرد، تـا از ایـن نقـاط ضـعف بـه عنـوان اهرمی برای بـه حرکـت در آوردن آرمانخواهـان بهره برداری کننـد و در جهت آرمانی و ارزشـی استفاده مطلوب نمایند.شیوه مستکبران این است که این دسته از واقعیتها را کوچک و کم اهمیت جلوه دهند و به کمک تبلیغات کوه را تبدیل به کاه کنند، تا آنجا که گویی اصـلا چنین واقعیتهایی وجود ندارد!اما امام حسین و یاران او در قیام عاشورا نشان دادند که نمی توانند شاهد ساکتی در مقابل این واقعیتها باشند.

فساد حکومتی

«سلطنت بود، شب خمر بود، قمـار بود در مجالسشان. خلیفه رسول الله و در مجلسشرب خمر! و در مجلس قمـار! و بـاز خلیفه رسول الله نمـاز هم می رود، جمـاعت می خوانـد. این خطر از برای اسلام خطر بزرگ بود. این خطر را سیدالشـهدا رفع کرد.»

[۱۶] .«محرم ماهی است که به وسیله سید مجاهدین و مظلومان اسلام زنده شده و از توطئه عناصر فاسد و رژیم بنی امیه که اسلام را تا لب پرتگاه برده بودند رهایی بخشید.» [۱۷] .«سیدالشهدا - سلام الله علیه - بانثار خون خودشان آن رژیم را، رژیم فاسد را شکست داد و خود مقتول

شد.» [۱۸] .

رواج منکر در جامعه

سیدالشـهدا – سـلام الله علیه – از همان روز اول که قیام کردنـد برای این امر، انگیزه شان اقامه عـدل بود. فرمودند که می بینید کـه معروف عمـل بهش نمی شـود و منکر بهش عمـل می شـود. انگیزه ایـن اسـت کـه معروف را اقـامه و منکر را از بین بـبرد. انحرافـات همه از منکر است، جز حق مسـتقیم توحیـد هر چه هست منکرات است، اینها بایـد از بین برود و ما که تابع حضـرت سیدالشـهدا هستیم، باید ببینیم که ایشان چه وضـعی در زندگی داشت، قیامش، انگیزه اش نهی از منکر بود که هر منکری باید از بین برود.» [۱۹] .«سیدالشـهدا – سـلام الله علیه – که همه عمرش و همه زندگیش را برای رفع منکر و جلوگیری از حکومت ظلم و جلوگیری از مفاسدی که حکومتها در دنیا ایجاد کردند، تمام عمرش را صـرف این کرد و تمام زندگیش را صـرف این کرد که این حکومت، حکومت جور بسته بشود و از بین برود، معروف در کار باشد، منکرات از بین بروند.» [۲۰] .

ظلم و جور حکومت

«حضـرت سیدالشـهدا – سـلام الله علیه – به همه آموخت که در مقابـل ظلم، در مقابـل سـتم، در مقابـل حکومت جائر چه باید کرد.» [۲۱] .«سیدالشـهدا سـلام الله علیه – وقتی می بینـد که یـک حـاکم ظـالمی، جائری در بین مردم حکومت می کنـد، باید مقابلش بایستد و جلوگیری کند.» [۲۲] .

وارونه جلوه دادن حکومت اسلام

«حضـرت سیدالشهدا – سلام الله علیه – دیدند که معاویه و پسرش – خداوند لعنتشانکند – اینها دارند مکتب را از بین می برند، دارنـد وارونه اسـلام را جلوه می دهند، اسـلامی که آمده است برای اینکه انسان درست کند، نیامده است قدرت برای خودش درست کنـد، آمـده است انسان درست کنـد.» [۲۳] .«خطری که معـاویه و یزیـد براسـلام داشـتند، این نبود که غصب خلافـت کردند، این یک خطر کمتر از آن بود، خطری که اینها داشتند، این بود که اسلام را به صورت سلطنت درمی خواستند بیاورند، می خواسـتند معنویت را به صورت طـاغوت درآورنـد، به اسم اینکه مـا خلیفه رسول الله هسـتیم اسـلام را منقلب کننـد به یک رژیم طاغوتی. این مهم بود. آنقـدری که این دو نفر ضـرر به اسـلام می خواسـتند بزننـد یا زدنـد، جلوتریها آنطور نزدنـد. اینها اصـل اساس اسـلام را وارونه می خواسـتند بکننـد.» [۲۴] .«اگر فـداکاری پاسـداران عظیم الشـأن اسـلام و شـهادت جوانمردانه پاسـداران و اصـحاب فـداکار او نبود، اسـلام در خفقان رژیم بنی امیه و رژیم ظالمانه آن وارونه معرفی می شـد و زحمات نبی اکرم (ص) و اصحاب فداکارش به هدر می رفت.» [۲۵] .

سلطنت طلبی و طاغوتی بودن حکومت

«رژیم منحط بنی امیه می رفت تا اسـلام را رژیم طاغوتی و بنیانگذار اسـلام را برخلاف آنچه بوده معرفی کند.» [۲۶] .«سلطنت و ولایتعهـدی همـان طرز حکومت شوم و باطلی است که حضـرت سیدالشـهدا (ع) برای جلوگیری از برقراری آن قیام فرمود و شهید شد. برای اینکه زیر بار ولایتعهدی یزید نرود و سـلطنت او را به رسـمیت نشـناسد قیام فرمود. [۲۷] .«خطری که معاویه و

یزید براسلام داشتند، این نبود که غصب خلافت کردند، این یک خطر کمتر از آن بود. خطری

که اینها داشتند این بود که اسلام را به صورت سلطنت درمی خواستند بیاورند، می خواستند معنویت را به صورت طاغوت درآورند، به اسم اینکه ما خلیفه رسول الله هستیم، اسلام را منقلب کنند به یک رژیم طاغوتی.» [۲۸] .

حیف و میل اموال مردم

«یزید هم یک قدرتمند بود و یک سلطان بود و - عرض می کنم که - همه بساط سلطنت را یزید داشت، بعد از معاویه او بود دیگر، حضرت سیدالشهدا به چه جهت با سلطان عصرش طرف شد؟ با ظل الله طرف شد؟ (سلطان را نباید دست زد) به چه جهت با سلطان عصرش طرف شد؟ سلطان عصری که شهادتین را می داد و می گفت که من خلیفه پیغمبر هستم. برای اینکه یک آدم قاچاق بود، برای اینکه یک آدمی بود که می خواست این ملت را استثمار کند، می خواست بخورد و اتباعش بخورند.» [۲۹] .«یزید یک آدمی بود که به حسب ظاهر متشبث به اسلام بود و خودش را خلیفه پیغمبر حساب می کرد و نماز هم می خواند، همه این کارهایی که ماها می کنیم آن هم می کرد، اما چه می کرد؟ اما از آن طرف معصیت کار بود، مخالف سنت رسول الله می کرد. رسول الله سنتش این است که باید با مردم چه جور عمل بکنند، او خلافش عمل می کرد، باید حفظ دماء شود.دماء مسلمین را می ریخت، باید مال مسلمین هدر نرود، او هدر می داد مال مسلمین را.» [۳۰] .

آرمانها

اشاره

شاید بتوان ادعا کرد که هیچ انقلابی بدون در نظر داشتن «آرمان» شکل نمی گیرد و همه قیامها و انقلابها به نوعی وابسته به ارزشها و انگیزه های آرمانی است. استقلال، آزادی، دموکراسی و... آرمانهای بشری هستند که هر کدام در طول تاریخ انقلابها نقش ایفا کرده اند و انگیزه ساز حرکتها بوده اند.در قیام عاشورا نیز آرمانهایی وجود داشت که انگیزه آن انقلاب عظیم شد و عاشوراییان را در مقابل حکومت زمان به حرکت در آورد و مبارزه ای تمام عیار خلق کرد. این

آرمانها عبارت بودند از:

عدالتخواهی

حضرت سیدالشهدا – سلام الله علیه – به همه جهت آموخت که در مقابل ظلم، در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائر چه باید کرد.» [۳۱] .«درصدر اسلام پس از رحلت پیغمبر ختمی پایه گذار عدالت و آزادی، می رفت که باکجرویهای بنی امیه، اسلام در حلقوم ستمکاران فرورود و عدالت در زیر پای تبهکاران نابود شود که سیدالشهدا – نهضت عظیم عاشورا را برپا نمود.» [۳۲] .«سیدالشهدا روی همین میزان آمد و رفت و خودش و اصحاب و انصار خودش را فدا کرد، که باید فدای جامعه بشود، جامعه باید اصلاح بشود. «لیقوم الناس بالقسط» باید عدالت در بین مردم و در بین جامعه تحقق پیدا بکند.» [۳۳] .«سیدالشهدا – سلام الله علیه – وقتی می بیند که یک حاکم ظالمی، جائری در بین مردم دارد حکومت می کند، تصریح می کند حضرت که اگر کسی ببیند که حاکم جائری در بین مردم حکومت می کند، ظلم به مردم می کند باید مقابلش بایستد و جلوگیری کند.» [۳۴] .

احیای اسلام

اشاره

«خطری که معاویه و یزید براسلام داشتند، این نبود که غصب خلافت کردند، این یک خطر کمتر از آن بود. خطری که اینها داشتند این بود که اسلام را به صورت سلطنت در می خواستند بیاورند، می خواستند معنویت را به صورت طاغوت درآورند.» [۳۵] .«آنها (بنی امیه) می خواستند اصل اسلام را ببرند و یک مملکت عربی درست کنند و این کار (سیدالشهدا) اسباب این شد که عرب و عجم و همه مسلمین توجه پیدا کردند که نه، قضیه، قضیه ی عربیت و فارسیت و اینها نیست. قضیه ی خدا و اسلام است.» [۳۶] .«محرم ماهی است که به وسیله سید مجاهدان و مظلومان اسلام زنده شد

و از توطئه عناصر فاسد و رژیم بنی امیه که اسلام را تا لب پرتگاه برده بودند رهایی بخشید.» [۳۷] .«رژیم منحط بنی امیه می رفت تا اسلام را رژیم طاغوتی و بنیانگذار اسلام را برخلاف آنچه بوده معرفی کند، معاویه و فرزند ستمکارش به اسم خلیفه رسول الله با اسلام آن کرد که چنگیز با ایران، و اساس حکمت وحی را تبدیل به رژیم شیطانی نمود.» [۳۸] .«حضرت سیدالشهدا – سلام الله علیه – دیدند که معاویه و پسرش (خداوند لعنتشان کند) اینها دارند مکتب را از بین می برند، دارند وارونه اسلام را جلوه می دهند، اسلامی که آمده است برای اینکه انسان درست کند، نیامده است قدرت برای خودش درست کند آمده است انسان درست کند.» [۳۹] .«سیدالشهدا هم کشته شد، نه اینکه رفتند یک ثوابی ببرند، ثواب برای او خیلی مطرح نبود، آنطور رفت که این مکتب را نجاتش بدهد، اسلام را پیشرفت بدهد، اسلام را زنده کند.» [۴۰] .«اسلام همچو عزیز است که فرزندان پیامبر جان خودشان را فدای اسلام کردند، حضرت سیدالشهدا – سلام الله علیه – با آن جوانها، با آن اصحاب برای اسلام جنگیدند و جان دادند و اسلام را احیا کردند.» [۴۱] .«شهادت سید مظلومان و هواخواهان قرآن در عاشورا، سرآغاز زندگی جاوید اسلام و حیات ابدی قرآن کریم بود.» [۴۲] .«سیدالشهدا کشته شد مکتبش محفوظ بود، بلکه مکتب را زنده کرد، با این کشته شدن مکتب را زنده کرد.» [۴۳] .«شهادت حضرت سیدالشهدا مکتب را زنده کرد. خودش شهید، مکتب اسلام زنده شد و رژیم طاغوتی معاویه و پسرش را دفن کرد.» [۴۴] .

اصلاح جامعه

«لکن (برای سیدالشهدا – سلام الله

علیه) تکلیف بود آنجا که بایـد قیام بکنـد و خونش را بدهـد تا اینکه این ملت را اصـلاح کنـد.» [۴۵] .«تمام انبیا برای اصـلاح جامعه آمده اند، تمام و همه آنها این مسئله را داشـتند که فرد باید فدای جامعه بشود. فرد هرچه بزرگ باشد، بالاترین فرد که ارزشـش بیشتر از هر چیز است در دنیا، وقتی که با مصالح جامعه، معارضه کرد، این فرد باید فدا بشود. سیدالشـهدا روی همین میزان آمـد و رفت خودش و اصـحاب و انصار خودش را فـدا کرد، که فرد بایـد فدای جامعه بشود، جامعه باید اصـلاح بشود.» [۴۶] .

طاغوت ستیزی

«محرم چه ماه مصیبت زا و چه ماه سازنده و کوبنده ای است. محرم ماه نهضت بزرگ سیدالشـهدا و سرور اولیای خداست که با قیام خود در مقابل طاغوت، تعلیم سازنـدگی و کوبنـدگی به بشـر داد.» [۴۷] .«خطبای ما زنده نگه داشـتند قضـیه کربلا را و زنـده نگه داشـتند قضـیه مقابله یک دسـته (یک دسـته کوچک با ایمان بزرگ)[را]در مقابل یک رژیم طاغوتی بزرگ.» [۴۸] .«خطری که معاویه و یزید براسـلام داشتند، این نبود که غصب خلافت کردند، این یک خطر کمتر از آن بود. خطری که اینها داشـتند، این بـود که اسـلام را به صـورت سـلطنت در می خواسـتند بیاورنـد، می خواسـتند معنـویت را به صـورت طـاغوت در آورند.» [۴۹] .«شـهادت حضـرت سیدالشـهدا مکتب را زنده کرد. خودش شـهید، مکتب اسـلام زنده و رژیم طاغوتی معاویه و پسرش را دفن کرد.» [۵۰] .«اگر سیدالشهدا نبود، این رژیم طاغوتی را اینها تقویت می کردند، به جاهلیت برمی گرداندند. اگر حالا من و تو هم مسلم بودیم مسلم طاغوتی بودیم، نه مسلم امام حسینی.» [۵۱] .«قیام سیدالشهدا

– سلام الله علیه – قیام برضد سلطنت طاغوتی بود، آن سلطنت که اسلام را می خواست به آن رنگ در آورد که اگر توفیق پیدا می کردند، اسلام یک چیز دیگر می شد، اسلام می شد مثل رژیم دو هزار و پانصد ساله سلطنت.» [۵۲] .

احقاق حق

«محرم ماهی است که عدالت در مقابل ظلم و حق در مقابل باطل قیام کرده و به اثبات رسانده است که در طول تاریخ، همیشه حق برباطل پیروز شده است.» [۵۳] .«ماه محرم، ماه حماسه و شجاعت و فداکاری آغاز شد، ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد، ماهی که قدرت حق، باطل را تا ابد محکوم و داغ باطله بر جبهه ستمکاران و حکومتهای شیطانی زد، ماهی که به نسلها در طول تاریخ، راه پیروزی بر سر نیزه را آموخت، ماهی که شکست ابرقدرتها را در مقابل کلمه حق به اثبات رساند.» [۵۴] .

نتیجه گیری

پس از معرفی دیدگاههای حضرت امام خمینی (س)، چند نکته را می توان به عنوان نتیجه بحث مورد توجه قرار داد:- گرچه واقعگرایی از ارزش اعتباری برخوردار است، اما تنظیم رفتار و اعمال براساس واقعیت همیشه نمی تواند امری باارزش تلقی گردد و ممکن است در بسیاری از موارد و مصادیق تسلیم شدن در مقابل واقعیت، ضد ارزش ارزیابی شود. در یک نظام دینی که مبتنی برارزشهای اسلامی است، واقعگرایی آنگاه ارزشمند است که در مقابل آرمانخواهی قرار نگیرد.- ترویج تز واقعگرایی به عنوان یک ارزش مطلق، همواره عاملی برای مرعوب شدن سلطه پذیران بوده و موجب شده که رفتار سیاسی آنها با سلطه گران براساس برآورد امکانات مادی آنها در مقایسه با امکانات مادی سلطه گران تنظیم گردد. این موضوع همواره یکی از ابزارهای سلطه استکبار براستضعاف بوده و هدف آنها از ترویج چنین سیاستی، گرفتن روحیه مبارزاتی و استقلال طلبانه آرمانگرایان بوده و هست.بسیاری از سلطه گران و مرعوبین سعی در واحد جلوه دادن «واقع بینی» و «واقعگرایی» دارند، اما بین این

دو تفاوت اساسی وجود دارد و امامان معصوم –علیهم السلام – همواره واقع بین بوده اند، اما واقعگرایی را در چارچوب مکتب و آرمانهـا مورد توجه قرار داده انـد و در صورتی که این امر تعارضـی بـا آرمـانگرایی نداشـته است، حتما مورد عنایت و قبول واقع شده است.نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، گزینشـی بودن واقعیتها در نظر سلطه گران و سلطه پذیران است، به این معنا که اگر واقعیتها موجب سلطه گری و سلطه پذیری بشود، (واقعیات نوع اول) گزینش شده و بر آنها تاکید می شود، اما واقعیتهـایی که موجب نفی سـلطه گری و سـلطه پـذیری است (واقعیات نوع دوم) بی اهمیت جلوه داده می شود و تمایلی برای مشاهـده و معرفی آن واقعیتهـا در آنهـا دیـده نمی شـود.در نظر اولیـای الهی همچـون حضـرت سیدالشـهدا (ع) و پیروان آنهـا، واقعیتها و آرمانها کنار یکـدیگر مورد توجه قرار می گیرند. در واقعه کربلا این دو مقوله در مقابل هم قرار گرفتند و تشـخیص پیشوای زمان حضـرت ابی عبـدالله (ع) این بود که تسـلیم شـدن در مقابل واقعیتها به معنی از بین رفتن آرمانهای مقدس مکتب اسـلام است. آن حضـرت اجازه نمی دهند یزید و حکومت بنی امیه از واقعیتها به عنوان نقاط ضعف در جبهه حق بهره برداری کنند و آنها را به سازش و ذلت بکشانند.از آنجا که در اسلام بعضی از احکام ثابت و برخی متغیر و محکوم به زمان و مکانند، شاید بتوان آرمانها را نیز در این چارچوب دسـته بندی کرد. به این معنا که برخی از آرمانها ثابت و همیشـگی هسـتند و در هر شرایطی از زمان و مکان قابل اجرا و گسترش هستند. اما برخی از آنها متغیر و تابع شرایط

زمان و مکان هستند و ترویج و گسترش یا توقیف و عدم اشاعه آنها تابع تشخیص و نظر امام معصوم (ع) و فقیه جامع الشرایط است.در یک نظام دینی ممکن است واقعیت و آرمان قابل جمع با یکدیگر باشند و در مواردی هم ممکن است قابل جمع نباشند. و در هر دو صورت میزان، تشخیص امام معصوم (ع) یا فقیه جامع الشرایط است و چنانچه آرمان و واقعیت قابل جمع نباشند، اولویت و انتخاب یکی از آنها براساس مصلحتی است که امام معصوم (ع) یا فقیه جامع الشرایط تشخیص می دهد. مثلا در مبارزه حضرت ابی عبدالله (ع) با یزید و یا در مبارزه حضرت امام خمینی (ره) با رژیم شاه، «آرمان خواهی» بر «واقعگرایی» برتری یافت. امام در صلح امام حسن (ع) با معاویه و یا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط حضرت امام خمینی (س) مصلحت اولی برای دین و انقلاب، پذیرش «واقعیت صلح» بود، نکته مهم این است که در چنین شرایطی یکی از ابعاد آرمان گستری به طور موقت محدود می شود و این به معنای عمل برخلاف آرمانها و ارزشها نیست.حضرت امام خمینی (ره) به عنوان پرچمدار عاشورا در عصر حاضر با اقداماتی نظیر تأیید تسخیر لانه جاسوسی و اتخاذ سیاست نه شرقی و نه غربی، محکومیت اشغال فلسطین، صدور حکم ارتداد سلمان رشدی و... از روش حضرت سیدالشهدا (ع) که همان ترجیح آرمانها بر واقعیتهای نوع اول و تبعاتی که این اقدامات داشت پیروی کردند و همچنین با توجه و تأکید بر واقعیتهای نوع دوم مانند جاسوسی آمریکاییها در ایران، توهین به مقدسات اسلام توسط سلمان رشدی، ذلت ناشی از تکیه بر ابرقدرتها و

اشغال و غصب کشور اسلامی فلسطین و... که از واقعیتهای مشهود بودند، و از طرفی تأکید و تکیه براحیای آرمانها و ارزشهای اسلامی و انقلابی، پیروی از روش حضرت امام حسین علیه السلام کردند.

پاورقی

[۱] صحیفه ی نور - ج۴ ص ۱۵.

[۲] همان - ج ۱۷ - ص ۶۱.

[۳] همان - ج ۱ - ص ۱۷۴.

[۴] همان - ج ۱۷ - ص ۵۹.

[۵] همان - ج ۱۷ - ص ۶۱.

[۶] همان - ج ۱۷ - ص ۶۲.

[۷] همان - ج ۴ - ص ۴۲.

[۸] همان - ج ۳ - ص ۱۸۲.

[۹] همان - ج ۴ - ص ۱۵. [

[۱۰] همان - ج ۲ - ص ۲۰۸.

[۱۱] همان - ج ۴ - ص ۱۹.

[۱۲] همان - ج ۱۷ - ص ۵۸.

[۱۳] همان - ج ۱ - ص ۳۸.

[۱۴] همان - ج ۱۷ - ص ۶۰.

[۱۵] همان - ج ۹ - ص ۲۲.

[۱۶] صحیفه نور - ج ۷ - ص ۳۷.

[۱۷] همان ج ۱۰ - ص ۲۴۲.

[۱۸] همان – ج ۷ – ص ۲۵۱.

[۱۹] همان – ج ۲۰ – ص ۱۸۹.

[۲۰] همان – ج ۲۰ – ص ۱۹۰.

[۲۱] همان – ج ۱۷ – ص ۵۸.

[۲۲] همان – ج ۲ – ص ۲۰۸.

[۲۳] همان – ج ۷ – ص ۲۳۰.

[۲۴] همان – ج ۷ – ص ۳۷.

[۲۵] همان – ج ۷ – ص ۲۳۶.

[۲۶] همان – ج ۷ – ص ۲۳۶.

[۲۷] ولایت فقیه – ص ۱۱.

[۲۸] صحیفه نور – ج ۷ – ص ۳۷.

[۲۹] همان – ج ۳ – ص ۸.

[۳۰] همان – ج ۴ – ص ۴۲.

[۳۱] همان – ج ۱۷ – ص ۵۸.

[۳۲] همان – ج ۴ –

ص ۱۰۰.

[۳۳] همان – ج ۱۵ – ص ۱۴۸.

[۳۴] همان – ج ۲ – ص ۲۰۸.

[۳۵] همان – ج ۷ – ص ۳۷.

[۳۶] همان – ج ۱۳ – ص ۱۵۸.

[۳۷] همان – ج ۱۰ – ص ۲۴۲.

[۳۸] همان – ج ۷ – ص ۲۳۶.

[۳۹] همان – ج ۷ – ص ۲۳۰.

[۴۰] همان – ج ۸ – ص ۷۱.

[۴۱] همان – ج ۷ – ص ۱۰۹.

[۴۲] همان – ج ۱۴ – ص ۲۶۳.

[۴۳] همان – ج ۷ – ص ۲۳۰.

[۴۴] همان – ج ۸ – ص ۱۲.

[۴۵] همان – ج ۲ – ص ۲۰۸.

[۴۶] همان – ج ۱۵ – ص ۱۴۸.

[۴۷] همان – ج ۲ – ص ۱۱.

[۴۸] همان – ج ۱۰ – ص ۳۰.

[۴۹] همان – ج ۷ – ص ۳۷.

[۵۰] همان – ج ۸ – ص ۱۲.

[۵۱] همان – ج ۸ – ص ۷۰.

[۵۲] همان – ج ۷ – ص ۳۷.

[۵۳] همان – ج ۴ – ص ۲۷.

[۵۴] همان – ج ۳ – ص ۲۲۵.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آيا كسانى كه مى‌دانند و كسانى كه نمى‌دانند يكسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقيقات رايانه اى قائميه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آيت الله حاج سيد حسن فقيه امامى (قدس سره الشريف)، با فعاليت خالصانه و شبانه روزى گروهى از نخبگان و فرهيختگان حوزه و دانشگاه، فعاليت خود را در زمينه هاى مذهبى، فرهنگى و علمى آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقيقات رايانه اى قائميه اصفهان در راستاى تسهيل و تسريع دسترسى محققين به آثار و ابزار تحقيقاتى در حوزه علوم اسلامى، و با توجه به تعدد و پراكندگى مراكز فعال در اين عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهى صرفا علمى و به دور از تعصبات و جريانات اجتماعى، سياسى، قومى و فردى، بر مبناى اجراى طرحى در قالب « مديريت آثار توليد شده و انتشار يافته از سوى تمامى مراكز شيعه» تلاش می نمايد تا مجموعه ای غنى و سرشار از كتب و مقالات پژوهشى براى متخصصين، و مطالب و مباحثى راهگشا براى فرهيختگان و عموم طبقات مردمى به زبان هاى مختلف و با فرمت هاى گوناگون توليد و در فضاى مجازى به صورت رايگان در اختيار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلين (كتاب الله و اهل البيت عليهم السلام)

۲.تقويت انگيزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسى دقيق تر مسائل دينى

۳.جايگزين كردن محتواى سودمند به جاى مطالب بى محتوا در تلفن هاى همراه ، تبلت ها، رايانه ها و ...

۴.سرويس دهى به محققين طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومى مطالعه

۶.زمينه سازى جهت تشويق انتشارات و مؤلفين براى ديجيتالى نمودن آثار خود.

سياست ها:

۱.عمل بر مبناى مجوز هاى قانونى

۲.ارتباط با مراكز هم سو

۳.پرهيز از موازى كارى

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹